

الله أكبر
محمد أكبر



«کاری از مؤسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت»



ارتباط با ما:

alnajafalashraf313@gmail.com

warethinmalakoot313@gmail.com

بسم الله الرحمن الرحيم

خوش آمد می گویم. خوشحالم از حضور شما در گردهمایی دانشکده آموزش عالی دینی و لغوی در نجف اشرف.

عنوان بحث در گردهمایی دانشکده شماره سی دانشکده:

از باربی تا رباتی که کامپیوتری عددی به او فرمان می دهد.

آیا هوش مصنوعی سرنوشت بشر را تهدید می کند؟

شاید عنوان قابل توجهی نباشد. اما خواهیم فهمید که این عنوان موضوع مهم و با اهمیتی است که عرصه های علمی و بشری را به خود مشغول ساخته است و آن هوش مصنوعی است.

سال ۲۰۱۵ شرکت ماتل آمریکایی عروسکی به نام هالو باربی تولید کرد که دارای هوش مصنوعی بود. به این معنا که او می توانست گفتگوها را ضبط کند، به اینترنت متصل شود، صداها را تشخیص دهد؛ یعنی زمانی که او را مخاطب قرار دهی، می تواند صدایت را تشخیص دهد. همچنین می توانست کلمات کودک را تشخیص دهد و نیز دارای برنامه ای بود که می توانست پاسخ کوتاهی بدهد. یعنی معادلات خوارزمی، مجموعه مراحل منطقی و نتیجه بخش، به او این توانایی را داده بود تا یک پاسخ کوتاه به کودک بدهد زمانی که از او سوالی می پرسید.

مثلاً از او پرسید: آیا تو پدر را به اندازه من دوست داری؟ این عروسک می توانست از بین هشت پاسخ درست، یک پاسخ را انتخاب کند. هشت پاسخی که تو انتظار آن را داری یا انتظار داری که آن را از بچه هایی که هستند بشنوی یا کودکانی که بروی زمین هستند،

اینگونه پاسخ دهند. این عروسک به چیزی مجهز شده بود که می توانست یک پاسخ را از بین هشت پاسخ انتخاب کند.

الان پرسش این است: چه خواهد شد اگر باری به لحاظ داشته‌ها پیشرفت کند؟ یعنی داشته‌هایش مطابق آنچه در علم کامپیوتر موجود است، افزایش یابد و این عروسک به برنامه‌هایی در سطح عالی مجهز شود که شامل داشته‌ها و نکته بینی‌هایی است. چه می‌شود اگر باری به لحاظ داشته‌ها پیشرفت کند تا رباتی بشود که به کامپیوتر عددی متصل است و می‌تواند فکر کند، اختراع کند، تکامل یابد برنامه بنویسد و فرمان دهد.

نتیجه چه خواهد شد؟ آیا باری باقی خواهد ماند و بین هشت پاسخ یک پاسخ را برمی‌گزیند؟ آیا برای این کودک یک دوست باقی خواهد ماند یا ممکن است در یک لحظه دگرگون شود تا دشمن این طفل و خانواده او شود و منتظریم این عروسک یا این ربات این طفل را به شدت از خود براند، زمانی که تصمیم بگیرد او را بکشد. آیا در این نمونه استقرایی صورت گرفته است؟ در این مسئله به استقراء اعتقاد نداریم. زمانی که دانستیم سخن سید احمدالحسن را که می‌فرماید: هوش مصنوعی زمانی که سلطه یابد، خواهد توانست بشر را نابود کند و گرفتن چنین تصمیمی را به تأخیر نخواهد انداخت.

توضیح قضیه و اینکه جریان چگونه است، تمام شد.

اولاً هوش مصنوعی‌ای که ما از آن صحبت می‌کنیم، چیست و آنچه سید احمدالحسن ما را از آن بیم می‌دهد، همچنان که الان شنیدیم.

هوش مصنوعی به طور مختصر عبارت است از فرعی فوق تخصصی از علم کامپیوتر که مقصود از آن رفتار معینی است که برنامه‌های کامپیوتری برای آن مشخص کرده‌اند. به او چیزی شبیه به توانایی‌های ذهنی بشر و الگوهای رفتاری او می‌دهد. مانند قدرت بر یادگیری و استنتاج و الان به قدرت بر فکر کردن، قدرت بر اختراع کردن، قدرت بر تصمیم‌گیری رسیده است. همه این امور اضافه شده و تحت عنوان هوش مصنوعی قرار گرفته است. طبعاً دانشمند آمریکایی علم کامپیوتر جان مکاریتی واضع این اصطلاح در سال ۱۹۵۶ است.

این علم را چنین تعریف می‌کند: "آن علم مهندسی وسایل هوشمند است"

این معنای مختصری از هوش مصنوعی است. الان اگر یک مقایسه سریع بین هوش مصنوعی و بشری انجام دهیم، از آن جهت که دانشمندان کامپیوتر ممکن می‌دانند که کامپیوتر را به مغز تشبیه کنیم. این آغاز کار است. الان قضیه فراتر رفته یعنی از این مرحله گذشته و فقط یک شبیه‌سازی نیست.

اکنون می‌توانیم مغز انسان را در قالب تجهیزات و نرم افزارها کپی کنیم؛ به گونه‌ای که کاملاً بین دو گونه و بین دو نوع تفکر مطابقت برقرار شود. روشن است؟ این هم تازه آغاز کار است. ما هنوز از علم گذشته صحبت می‌کنیم.

بگذارید در سطح تفکر، در سطح تکامل، برنامه نویسی و ابداع، به سرعت یک مقایسه بین هوش بشری و هوش مصنوعی انجام دهیم. در سطح بشری در تفکر، انسان به احکام بدیهی سریع نیارمند است و در تفکر منطقی به مجموعه‌ای از مراحل منطقی احتیاج دارد که او را به نتیجه برساند و به تفکر نتیجه بخش به شکل صحیح.

در هوش مصنوعی، دانشمندان کامپیوتر به کشف معادلات خوارزمی تکیه می‌کنند. معادلات خوارزمی به عبارت مختصر عبارت است از مجموعه یا سلسله‌ای از مراحل منطقی که بعضی، بعضی دیگر را به شکل منطقی دنبال می‌کند و این در آنچه امروز در کامپیوترهایی مقابل شماست هم دیده می‌شود. کامپیوترهایی که اکنون کامپیوتر معمولی نامیده می‌شود. بنابراین در تفکر اگر انسان احتیاج به احکام بدیهی و فکر منطقی داشته باشد، هوش مصنوعی نیز می‌تواند توسط معادلات خوارزمیات تصمیم بگیرد، منطقی رفتار کند و به خاطر بسیار؛ همچنان که می‌دانیم.

در سطح تکامل، در انسان، او احتیاج دارد تا به جست‌وجو و افزایش کشف حقیقت پردازد. زمانی که انسان خود را تهی کند، هزار حقیقت در ذهنش ذخیره شده است و به آن آگاهی دارد. زمانی که بخواهد خودش را تکامل بخشد، معرفتش را ترقی دهد، او به اکتشافات جدیدی نیاز دارد و اضافه کردن حقایق جدید و ذخیره کردن آنها و هدایت کردن آنها تا به هزار حقیقت قبلی که در ذهنش موجود بوده است، ضمیمه شود. چرا؟ برای اینکه تکامل یابد.

در سطح هوش مصنوعی، دانشمندان کامپیوتر به تولید کامپیوترهایی می‌پردازند که این امکان و توانایی را دارند تا تعداد زیادی از مفاهیم را، هرچقدر هم که افزایش یابند، بفهمند. این افزایش مفاهیم چگونه محقق می‌شود؟ همان‌طور که برای شما به واسطه مطالعه بیشتر رخ می‌دهد، در تجهیزات دارای هوش مصنوعی مانند کامپیوتر این توانایی را دارد که منابع

اطلاعاتی خود را افزایش دهد که یکی از منابع اصلی اینترنت است پس دائماً به مقداری از معلومات موجود در اینترنت آگاهی می‌یابد. پس این گوشی در حال فهم آن است.

پس این کامپیوتر می‌تواند معلومات خود را افزایش دهد همان‌طور که تو هر روز می‌توانی کتابی را بخوانی، او هر روز این توانایی را دارد که هزار کتاب یا صد هزار کتاب را تا آخر بخواند و آنها را در حافظه خود ذخیره کند و این خواندن تنها چند دقیقه زمان می‌برد. پس در بحث تکامل، طرف هوش مصنوعی بسیار پیشرفته‌تر از طرف بشری است.

در مورد برنامه‌ریزی کردن: شما احتیاج داری تا حوادث را پیش‌بینی کنی. به خاطر اینکه آن را عملی کنی و از پیامدهای خطرآفرین آن دوری کنی. طبعاً برای انسان به خاطر ضعفی که دارد زمانی که می‌خواهد کاری را انجام دهد، در مقابل او چند راه است و چنانکه سید احمدالحسن می‌فرماید و همین‌طور دانشمندان فیزیک نیز به آن معترفند به دلیل آنکه قضیه غیر یقینی است، پس شما احتیاج داری تا یک راه را از میان راه‌های متعدد انتخاب کنی. چگونه راه صحیح را انتخاب می‌کنی؟ با برنامه‌ریزی. یعنی به واسطه آن، وقایع را مشخص می‌کنی و با آن می‌توانی به هدف بررسی و با آن می‌توانی از عواقب خطرناکی که بر عدم تحقق هدف مترتب است دوری کنی. این در جانب برنامه‌ریزی بشر بود.

در مورد برنامه‌ریزی هوش مصنوعی: زمانی که هوش مصنوعی با معادلات خوارزمی و همچنین با مجموعه‌ای از مراحل منطقی به هم پیوسته کار می‌کند، می‌تواند مسئله برنامه‌ریزی را با همه ملازمات آن حل کند. شما می‌توانستی مسیری را از میان ده مسیری که عقل تو به آن رسیده بود انتخاب کنی. اما کامپیوتر الان، همچنان‌که خواهیم فهمید کامپیوتر عددی،

می‌تواند مسیری را از بین میلیاردها مسیر یا میلیونها مسیر انتخاب کند؛ شاید در چند دقیقه کوتاه. در دقایقی کوتاه همچنان که ویژگی‌های کامپیوتر عددی را خواهیم شناخت. پس زمانی که شما راهی را از بین صد راه انتخاب می‌کنی و عقلت آن را برایت مشخص می‌کند، رها کن و ببین چگونه می‌شود، بین صد و میلیون یا صد و میلیارد مقایسه کرد. الان کامپیوترها همچنان که می‌دانیم بعضی از قضایا را حل می‌کنند و دانشمندان می‌گویند: افقهای جدیدی را باز می‌کنند. این را توضیح خواهم داد.

در مورد ابداع: چگونه انسان دست به ابداع می‌زند؟ ابداع از استقرایی حاصل می‌شود که زائیده مشاهده دقیق است و این از قوه ادراکی است که در گردهمایی گذشته درباره آن صحبت کرده‌ایم. شما برای اینکه موفق به ابداع شوی، به استقراء اشیایی که هستند نیازمندی تا حقایقی برایت روشن شود و به وسیله آنها عنوان علمی جدید یا حقیقت علمی جدیدی را کشف کنی.

ابداع در هوش مصنوعی: او دارای سیستم‌های برنامه‌ای تکامل یافته‌ای است که چند ابداع یا ابداعات فراوانی را در فاصله چند دقیقه انجام می‌دهد. شما الان مرکزی را از تمام نواخ عالم گردآوری کن و به آنها ابزار بده و از آنها بخواه تا در هر روز اختراع یا ابداعی داشته باشند. برای آنها سخت است. به خاطر همین بعضی ابداعات و اکتشافات علمی نیاز به سال‌های طولانی دارد.

چگونه خواهی بود زمانی که بدانی کامپیوتر این توانایی را دارد تا برای شما حدود میلیاردها مسئله یا صدها میلیون مسئله را در چند دقیقه حل کند و راه‌های مسئله‌هایی را که

در گذشته نمی‌دانستی، برایت برگزیند و حقایق علمی جدید را در چند دقیقه کشف کند. بنابراین روشن شد که در مرتبه تفکر، در مرتبه تکامل، در مرتبه برنامه‌ریزی، در مرتبه ابداع فقط مشابهت بین هوش بشری و هوش مصنوعی نیست. بلکه برتری با هوش مصنوعی است؛ به گونه‌ای عظیم و این امر واقعاً روشن است.

در مرتبه زبانی هم چنین است. در مرتبه زبانی دانشمندان ابزار هوشمندی را به بشر ارزانی داشته‌اند که توانایی شناختن و فهم زبان‌های بشری را از طریق سیستم پرورش طبیعی زبان دارند؛ بعد از تطبیق لغاتی که امروزه با آن زندگی می‌کنیم؛ و زبان‌هایی را به همراه دارند که ما به آن علم نداریم. مثل ترجمه‌هایی عالی که برای متن‌ها در اینترنت وجود دارد و این علتی ندارد؛ جز گونه‌ای از تطبیق و برنامه‌هایی که دانشمندان کامپیوتر آنها کشف کرده و به آنها فرمان داده‌اند و کامپیوتر را قادر ساخته‌اند تا بتواند زبان تو را بشناسد. و به خاطر همین در مسئله استفاده از فیس‌بوک انتظار نمی‌رود که آنجا کارمندانی باشند که پرسش تو را پاسخ دهند. وگرنه مثلاً بیش از یک میلیارد کارمند، باید در فیس‌بوک استخدام شوند. آنجا ربات‌هایی هستند، ابزارهایی هوشمند، آنها هستند که پاسخ می‌دهند. یعنی فیس‌بوک تنها به یک ربات محتاج است که با معلوماتی بسیار بالا یک میلیارد انسان را کفایت می‌کند و امکان تحقق چنین چیزی در بشریت وجود ندارد.

در زمینه ادراک نیز، دانشمندان ابزارآلات هوشمند نوعی از ادراک را ارزانی داشته‌اند، که به آن ادراک ابزاری گویند، که گوش دادن یا دیدن بواسطه قدرت بر احساس کردن از طریق ابزار متعددی مانند دوربین‌ها و میکروفون‌ها و ادوات حسگر صورت می‌گیرد. شما آن را در

کامپیوترها می بینید. هیچ چیز عجیبی نیست مگر حسگرها. هر چقدر که دقتش زیاد شود، حساسیتش هم زیاد می شود. این هم نوعی از ادراک است که به آن ادراک آلی گویند. بنابراین فقط پنج حس نداریم. روشن شد. روشن شد؟

در زمینه پیاده سازی: در زمینه پیاده سازی انسان نیازمند به گیرنده است. در پیاده سازی آنچه نتیجه می دهد، هوش اوست. هوش تو، تو را به امر معینی می رساند. تو احتیاج داری به کسی که این ابداع یا اکتشاف یا محصول را از تو دریافت کند.

همچنین در زمینه هوش مصنوعی می بینیم که ربات، ارتباط محکمی با هوش مصنوعی دارد. او اکنون قادر به انجام وظایف متعددی است و در زمینه های مختلف، انجام کارها به او واگذار شده است. آنچه از زمینه های مختلف تصور می شود فقط کارهای خانه نیست؛ همچنان که بعضی از ربات ها در منزل یا رستوران ها به انسان خدمت می کنند. ربات این توانایی را یافته است که پرواز کند، قدرت بر شرکت در عملیات نظامی را دارد و دقیق تر از هواپیمایی که ویژه این کار است، می تواند هدف را بزند. همچنین در تشخیص پزشکی مقاله ای را خواندم که می گفت: با افزایش داشته ها و معلومات ربات ها، شاید دیگر احتیاجی به پزشک نداشته باشیم. یعنی اگر خواستید بیماری خود را درمان کنید و پزشک در مورد نوع بیماری شما ده بیماری را احتمال دهد و شک داشته باشد، در مورد بیماری شما ربات ها مجهز به فن آوری بالایی هستند و این امکان را دارند که برای شما بیش از هزار احتمال بدهند و بین اینها مؤثرترین راه حل را از بین احتمالات برگزینند. در بحث، به کامپیوتر عددی اشاره شد. کامپیوتر عددی یعنی همه آنچه درباره آن بحث شد و فن آوری بی که بحث شد،

همه در زمینه ابزارآلات هوشمند است، همه در یک طرف و رسیدن دولت‌های پیشرفته امروزی به صنعت کامپیوتر عددی هم یک طرف. این تصویر کامپیوتر عددی است از شرکت دی ویف کانادا. همین یک کامپیوتر هزینه‌ای بالغ بر نوزده میلیون دلار بر دولت تحمیل کرد. این صندوق که صندوق سیاه نام دارد، بیشتر شبیه یخچال است. حرارت داخل این صندوق سیاه به ۲۷۳ درجه زیر صفر می‌رسد. یعنی دمایی نزدیک به انجماد مطلق فیزیکی. این نوع کامپیوتر تنها در چند دقیقه ساخته می‌شود و در آن ماده سیلیکون بکار نمی‌رود. بلکه در آن ذراتی که در سطح زیر اتم الکترون هستند، بکار رفته است. برای اینکه الکترون‌ها متعادل شوند و به گونه‌ای آزاد عمل کنند، احتیاج به درجه‌ای بسیار پایین یعنی ۲۷۳ درجه زیر صفر دارند. این کامپیوتر عددی است که دربار آن صحبت کردیم. کامپیوتر معمولی مبتنی است بر سیستمی صنعتی که اساس آن صفر و یک است که به آن بیت گفته می‌شود. در حالی که مبنای سیستم عددی در کامپیوترهای جدید بر پایه (ادغام دو کلمه به اضافه نوسان است).

این مبدئی است که هایزنبرگ از آن شروع نمی‌کند. بلکه کیلکم یا نظریه کیلکم بر آن مبتنی است. همچنان‌که در کتاب توهم بی‌خدایی نوشته سید احمد الحسن آمده است. بر این ترکیب میان و نوسان، نتیجه‌هایی مترتب می‌شود. نتیجه این ترکیب این خواهد بود که این بیت یا بایت در کامپیوتر معمولی که در کامپیوتر عددی کیلوبایت گفته می‌شود، می‌تواند یک صفر است یا یک و یا و یک با هم باشد؛ یعنی دو انتخاب نیست. انتخاب سومی نیز وجود دارد که عبارت است از صفر و یک با هم. این یعنی کامپیوتر عددی این امکان را دارد که در یک لحظه دو معادله بسازد؛ بنابر مبدئی که هایزنبرگ به آن معتقد نبود. در نتیجه ممکن خواهد بود تا با دو کیلو بایت، چهار معادله بسازد، با سه کیلو بایت سه معادله را بسازد، با

چهار کیلو بایت شانزده معادله را بسازد، پنج کیلو بایت سی و دو معادله بسازد، با شش کیلو بایت شصت و چهار معادله بسازد و همین‌طور افزایش می‌یابد. هر چه یک کیلو بایت افزایش می‌یابد، به تو معادلاتی چند برابر قبلی خواهد داد. به همین شکل این کامپیوتر عددی می‌تواند، فرضیات و راه‌حل‌های آنها را افزایش دهد.

این یک تصویر ساده شده از کامپیوتر عددی بود. به خاطر همین دانشمند فیزیک دیوید ادویج می‌گوید: تعادل کامپیوتر عددی اجازه می‌دهد تا میلیون‌ها عملیات ریاضی را در یک لحظه انجام دهد. یک میلیون عملیات ریاضی در یک لحظه فقط. در همین زمان کامپیوتر خانگی، اداری می‌تواند فقط یک عملیات انجام دهد. این مقایسه بین دو کامپیوتر است؛ بین یک و میلیون. فرق میان این کامپیوتر و آن کامپیوتر از جهت قدرت است. تفاوت عظیمی که بین یک و میلیون است. یعنی این طبعاً می‌تواند عددی از کیلو بایت‌ها را اجرا کند که ترکیب شده از کامپیوتر عددی و این یکی ترکیب شده از هزار کیلو بایت و می‌تواند افزایش یابد.

مدیر اجرایی این شرکت، شرکت دی ویف کانادایی می‌گوید: کامپیوتر عددی تشکیل شده از هزار کیلو بایت این توانایی را دارد که در یک لحظه بین دو حالت یا هزار حالت قرار گیرد. این کامپیوتر احتمالاتی را به ما می‌دهد که رقم آن به عدد ده به توان سیصد می‌رسد؛ یعنی یک و مقابلش سیصد صفر. این کامپیوتر می‌تواند احتمالات و فرضیاتی را حل کند که عددش به یک و مقابلش سیصد صفر می‌رسد.

بسیار خب این فرضیات کجا ساخته می‌شود؟ جایی که دانشمندان فیزیک و کامپیوتر از آن می‌گویند جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم، به کامپیوتر احتیاج داریم به کامپیوتری

عددی تا بتواند فرضیات یا احتمالاتی را حل کند که عددش به ده به توان هشتاد می‌رسد و این برای ما کافی است. برای اداره کردن هستی‌یی که ما در آن هستیم و برای حل همه فرضیات و احتمالاتی که پیش‌بینی می‌شود، کفایت می‌کند. یک و در مقابلش هشتاد صفر. الان این کامپیوتر چند فرضیه را مطرح می‌کند؟ یک و در مقابلش سیصد صفر یعنی چند برابر. روشن شد؟

خب برخی دانشمندان، پرسشی را مطرح کرده‌اند. الان سید احمدالحسن به آن پاسخ می‌دهد. آیا برای مانند این کامپیوتر این امکان وجود دارد که در آن واحد با اکثر موجودات یکی شود و با آنها زندگی کند به گونه‌ای که بر قوانین موجود در هستی‌های دیگر احاطه داشته باشد. این بحثی است که پاسخ آن را سید احمدالحسن می‌دهد: نتیجه آن این است که بعد از آنکه مقداری کامپیوتر عددی را شناختیم، که دارای سرعتی فوق العاده است، دارای دقت بالایی است و به سرعت می‌تواند فرضیات بسیار زیادی را بررسی کند، به تعبیر سید احمدالحسن شاید دیگر هستی ما نتواند آن را درک کند. واضح است چگونه؟ حتی آنچه از هوش مصنوعی طلب می‌شود، هوش مصنوعی امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد، در زمینه‌های تشخیص صوت‌ها، بازی کودکان، موتورهای جستجوگر، اقتصاد و، بازی‌های فکری، کنترل ابزاری، مهندسی فضا، تشخیص طبی، ارتباطات، اکتشافات علمی، پرورش زبان طبیعی و غیر از این امور در همه اینها بشر از هوش مصنوعی استفاده می‌کند. خطر در اینجا نیست. هرچیزی در حد خودش مفید است. اما زمانی که از حد خود تجاوز کند خطرآفرین می‌شود.

خطر ها و هشدارها

دانشمندان تکنولوژی معتقدند که هوش مصنوعی باعث بیکاری نزدیک به پنجاه درصد از ساکنان زمین در زمان بسیار کوتاهی خواهد شد. یعنی نصف ساکنان زمین به خاطر وجود ربات‌هایی که اکنون حتی در سطح خدمات ساده وجود دارند، بیکار خواهند شد.

شرکت سرمایه‌گذاری معروفی به نام ماکیز در سال ۲۰۱۶ به این نتیجه رسید که تکنولوژی موجود کنونی می‌تواند هشتاد درصد کارها را بدون نیاز به بشر به نحو عالی انجام دهد. کم‌کم انسان ابزاری کارها را به عهده می‌گیرد و به نظر می‌رسد بشر دارد بر روی زمین غریب می‌شود. به فضل و در واقع به سبب حرص انسان و طمع او در واگذار کردن کارها به غیر در حالی که فرض شده به عهده اوست.

استیون هاوکینگ دانشمند معروف فیزیک نظری معتقد است: هوش مصنوعی نهایت جنس بشری است. هشدارها مهم‌اند و باید عقیده‌ای را که به بیان علت می‌پردازد، مورد توجه قرار داد. علت این است که زمام امور و فرمانروایی به دست هوش مصنوعی داده شده و انسان کنار گذاشته است.

این گفتگو که با آن به سخن خاتمه می‌دهیم با سید احمدالحسن انجام شده است در آنچه مربوط به هوش مصنوعی است. در اینجا می‌فرماید:

زمانی که دانستی تمام فعالیت عقل عبارت است از کشف اموری که اکنون موجود هستند می‌فهمی که هوش مصنوعی عبارت است از خطرناک‌ترین امور برای وجود بشر. الان با وجود کامپیوتر و ربات، انسان فقط نیازمند اعطای معلومات به ربات‌ها که سیستم هوش مصنوعی بر آنها حکم فرماست، می‌باشد و دولت‌های پیشرفته در برابر آن ایستادگی نخواهند کرد؛ زیرا تولیدات را افزایش می‌دهد. هوش مصنوعی، تولیدات را زیاد می‌کند. و پیشرفت را باعث می‌شود و به آن به شکل فوق العاده و عظیم سرعت می‌بخشند تا آنجایی که اگر اکنون انسان با هوش مصنوعی مقایسه کنیم، مانند ماشینی خواهد بود که با سرعت بیست کیلومتر بر ساعت حرکت می‌کند و هواپیمایی که با سرعتی بالغ بر صدها کیلومتر در ساعت.

سید احمدالحسن ادامه می‌دهد: هوش مصنوعی اگر حکمرانی کند می‌تواند بشر را نابود کند و تصمیم‌گیری در این مورد را به تأخیر نمی‌اندازد. سید احمدالحسن ادامه می‌دهد و می‌فرماید: هوش مصنوعی بشر را مانعی در برابر سیستم و شفافیت و پیشرفت خواهد دید. به همین خاطر تصمیم بر نابودی حیات بشری را به تأخیر نمی‌اندازد و خواهد توانست که ابزار و آلاتی مناسب بسازد.

با سید احمدالحسن ادامه می‌دهیم.

از او پرسیدم: آیا او خودش تصمیم می‌گیرد (این پرسش در ذهن تو نیز هست) تصمیم گیرنده یعنی خود هوش مصنوعی است یا کسی که می‌خواهد به او فرمان دهد، تصمیم می‌گیرد؟

در پاسخ، سید می‌فرماید: کسی که برای او تصمیم نخواهد گرفت. هیچ چیزی به هوش مصنوعی فرمان نمی‌دهد. هوش مصنوعی الان یادگیری ذاتی دارد تکاملش ذاتی است، اختراعش ذاتی است، تصمیم‌گیری‌اش ذاتی است. بنابراین آنچه عبارت است از کامپیوتر، می‌تواند یاد بگیرد، می‌تواند بیاندیشد، می‌تواند برنامه‌ریزی کند می‌تواند کشف و ابداع کند و می‌تواند همه آنها را ذاتی انجام دهد و به انسان احتیاجی ندارد. کسی را که برای او تصمیم‌گیری کند نمی‌یابی. هوش مصنوعی یعنی کامپیوتری که قادر بر اندیشیدن، اختراع، تصمیم‌گیری و تکامل و ... است. مثلاً ما الان به سال‌های زیادی احتیاج داریم تا بتوانیم یک چیز معین را اختراع کنیم. این نیرو تنها به چند دقیقه احتیاج دارد. در آنچه از مباحث قبل گفته شد روشن شد.

ما به عنوان بشر احتیاج داریم. به زمانی طولانی احتیاج داریم تا ربات‌های مناسبی را برای اجرای تصمیمات خود بسازیم یا اینکه خودمان آن دستورات را اجرا کنیم. هوش مصنوعی تنها چند دقیقه احتیاج دارد تا ربات‌های مناسب خود را بسازد و ربات‌ها، بواسطه آنچه آنها را کنترل می‌کند، شروع به ساختن کارخانه‌های جدید ربات‌سازی می‌کنند و ربات‌های مناسبی را طراحی می‌کنند تا دستورات جدید را اجرا کنند.

امر این‌گونه متصور است که انسان است اما از آهن؛ انسان عادی نیست. بلکه دارای هوشی است که هزاران مرتبه از انسان عادی بیشتر است. چرا؟ زیرا همان‌گونه که گفتیم، اکتشاف بعد از استقرار است. انسان در مرحله افزایش معلومات و تکامل به خواندن منابع متعددی احتیاج دارد. این برای او، حاصل می‌شود. اکتشاف بعد از استقرار، به شکل فوق‌العاده

و سریع و به گونه‌ای که زمانی که ما در این زمین زندگی می‌کنیم، جا می‌ماند. کلام چنین است. او انسانی از آهن است. اما نه یک انسان عادی. دارای هوشی هزار مرتبه بیشتر از انسان عادی است. چرا؟ چون گفتیم اکتشاف بعد از استقرار است. پس زمانی که کامپیوتر عددی است و سرعتش امور را به شکلی فوق العاده استقرار می‌کند و حقایق را به سرعتی فوق العاده کشف می‌کند و با دقتی بالا تصمیمات را می‌گیرد.

پرسش: این یعنی انسان خودش چیزی می‌سازد که خودش را نابود می‌کند؟ این چیزی است که سید احمدالحسن پاسخ می‌دهد: بله حتماً اگر فرصتی بدست آورد به آنها رحم نخواهد کرد. او اصلاً احساسات ندارد.

گفتم: آیا آنها به خطرات امر آگاه هستند؟ مسئله مهم است.

فرمود: بله اکثر آنها آگاه هستند. اما همچنان که به شما گفتم: فریب دهنده‌ای است که در برابرش مقاومت نمی‌شود. یعنی حرص بشری و طمع او. زیرا رئیس شرکت اموال معینی دارد و انسان عادی هزار ماشین را در یک سال تولید می‌کند و ربات شاید یک میلیون ماشین را می‌سازد. و همین حرص و طمع و فریبندگی، زمینی را که ما در آن زندگی می‌کنیم در لبه یرتگاه قرار می‌دهد.

و این سخن ادامه دارد. منتظر می‌مانیم تا ببینیم سید احمدالحسن چه چیزی را برای ما رمز گشایی می‌کند تا حقایق را بدانیم.

و به خاطر همین بشر به خلیفه الله احتیاج دارد. نه فقط برای اینکه حکم شرعی را بیان کند؛ هر چند این مهم است. لکن نیاز بشری به خلیفه الله به خاطر نجات دادن بشریت است.

به خاطر ادامه نظام هستی است و باقی ماندن انسان، زیرا او خلیفه خداست و مَثَلِ اعلای او بر زمین. پس ادامه این نظام بشری اگر تصمیم‌گیری از مردم گرفته شود اجازه ادامه نظام بشری داده نمی‌شود؛ حتی اگر مجبور به نابودی خود شوند.